

## اصول مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا

(نگاهی نو و راهی نو به زندگی سیاسی و اخلاقی ابنای بشر و سازه های انسانی)

دکتر محمدرضا حافظ نیا\* - استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

ژئوپلیتیک به عنوان شاخه‌ای از رشته جغرافیای سیاسی دارای ماهیت علمی است و همانند هر نظام علمی دیگری در سپهر معرفتی بشر، دارای دو وجه بنیادی و کاربردی است. وجه بنیادی ژئوپلیتیک به تولید نظریه‌های علمی و گزاره‌های نظری و توسعه معرفت‌شناسی ژئوپلیتیک می‌پردازد. وجه کاربردی آن ناظر بر تولید نظریه‌های کاربردی، الگوها و روش‌های عملی ژئوپلیتیک در راستای رفع نیازهای ملت‌ها، کشورها و جوامع بشری است. دانش کاربردی ژئوپلیتیک می‌تواند همانند گزاره‌ها و نظریه‌های کاربردی سایر رشته‌های علمی تا حدی متاثر از جهان‌بینی، ایدئولوژی، فرهنگ، نگرش و نیز علائق ملت‌ها، کاربران سیاسی و حکومت‌ها باشد. بنابراین دانش و معرفت ژئوپلیتیکی همانند سایر رشته‌های علمی بشر در ذات خود پسندیده و مفید است و برای پاسخگویی به نیازهای ملت‌ها و ابنای بشر باید پیشرفت نماید. ولی باید سعی شود که دانش ژئوپلیتیک در هر مقیاسی اعم از جهانی، ملی و یا محلی مورد سوءاستفاده حکومت‌ها و بازیگران سیاسی قرار نگیرد. بلکه بر عکس در خدمت رفع نیازهای شهروندان، سازه‌های انسانی، ملت‌ها و جوامع بشری قرار گیرد، و حکومت‌ها و بازیگران سیاسی نیز آن را در همین راستا بکار گیرند.

بر این اساس اینجانب (محمدرضا حافظ نیا) رویکرد نظری/ کاربردی جدیدی را در زمینه کاربرد دانش و معرفت ژئوپلیتیکی در عرصه زندگی سیاسی/ اخلاقی ابنای بشر و سازه‌های انسانی بویژه ملت‌ها، تحت عنوان مکتب "ژئوپلیتیک انسانگرا" پایه‌گذاری و مطرح کرده‌ام. این دیدگاه

برای اولین بار در قالب مقاله‌ی تحت همین عنوان توسط اینجانب در فصلنامه ژئوپلیتیک در ایران در سال ۱۳۸۶ ش. ( ۲۰۰۷ م)، و سپس در مجله Conflits در فرانسه / پاریس در سال ۲۰۱۵ م. (۱۳۹۴ ش) منتشر شده است. از آنجایی که این مکتب ژئوپلیتیکی مورد توجه عده ای از علاقمندان قرار گرفته و سوالات و ابهاماتی را برای آنها ایجاد کرده است، بر آن شدم تا برای وضوح بیشتر نگرش و ابعاد این مکتب فکری، اصول آن را تدوین و در اختیار علاقمندان قرار دهم. با این امید که بتوان گامی در مسیر رنج‌زدایی از زندگی انسان‌ها به عنوان برگزیدگان خالق هستی و بهسازی الگوی زیست‌بنای بشر و سازه‌های انسانی برداشت.

#### اصول مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا بطور خلاصه به شرح زیر است:

۱. ابتنای مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا بر اصل انصاف و مخالفت با زیاده‌خواهی قرار دارد. این مکتب معتقد است که همه افراد و سازه‌های انسانی بر پایه حق طبیعی که به عنوان مشیت الهی در ذات نظام تکوین و خلقت جهان وجود دارد و نیز قراردادهای اجتماعی ملی و بین‌المللی رسمی، باید از منابع و مزایای موجود در فضای جغرافیایی زیستگاه مربوطه و یا مشترک جهانی بهره‌مند شوند. بنابراین این مکتب مخالف زیاده‌خواهی و تعرض به حقوق دیگران است.

۲. ژئوپلیتیک انسانگرا اصالت را به صلح و همزیستی ملتها و سازه‌های انسانی با یکدیگر و نیز با طبیعت و موجودات آن به عنوان زیستگاه جغرافیایی آنها می‌دهد. تجویز کننده روابط مسالمت‌آمیز و همزیستی و تعاون بین کشورها، ملت‌ها، حکومت‌ها، سازه‌های انسانی ساکن در فضاها و جغرافیایی است و بر حفظ تعادل دینامیکی اکوسیستم‌های جغرافیایی خرد و کلان برای زندگی مطلوب و بهینه انسان‌ها تاکید می‌نماید.

۳. ژئوپلیتیک انسانگرا بر این نکته تاکید دارد که وجه کاربردی علم و معرفت ژئوپلیتیکی باید برای احترام به کرامت انسان‌ها به عنوان مشیت الهی، تامین صلح و امنیت، رفاه و آسایش انسان‌ها، آزادی اندیشه و ابراز نظر، حق انتخاب سبک زندگی شخصی و خصوصی، توسعه تاب‌آور و پایدار، تامین حقوق شهروندی، شاخص‌های زندگی برابر، عدالت فراگیر اجتماعی و جغرافیایی مورد استفاده قرار گیرد.

۴. ژئوپلیتیک انسانگرا بر پایه حق طبیعی ناشی از نظام خلقت و روابط اکولوژیکی سازه‌های انسانی با زیستگاه جغرافیایی آنها، اصالت را به انسان‌ها و شهروندان می‌دهد، و بر این امر تأکید دارد که حقوق انسان‌ها و شهروندان بر حقوق حکومت‌ها، بازیگران سیاسی و اقتصادی و کنترل‌کنندگان قدرت در جامعه رجحان دارد.

۵. ژئوپلیتیک انسانگرا از جنگ، خشونت و بحران‌سازی که تولید درد و رنج برای انسان‌ها و نیز تخریب سرمایه‌ها و حیات انسان‌ها و نیز تخریب زیستگاه سازه‌های انسانی را به همراه دارد حمایت نمی‌کند و جنگ را ذاتاً شر می‌داند. بلکه به دنبال توصیه راه‌حل‌های جنگ‌زدایی، بحران‌زدایی و بطور کلی رنج‌زدایی از زندگی انسان‌ها است.

۶. ژئوپلیتیک انسانگرا در برابر ژئوپلیتیک امپریالیستی قرار دارد. ژئوپلیتیک امپریالیستی، بدنبال ترسیم و توجیه اهداف و اعمال توسعه‌طلبانه و تجاوزکارانه حکومت‌ها و دولت‌ها است. در واقع رویکرد امپریالیستی، که متاسفانه پارادایم غالب در حوزه سیاست خارجی کشورها و روابط بین‌الملل جهان کنونی است، اندیشه و رفتار دولت‌ها و قدرت‌های حاکم در تجاوز به فضاها و جغرافیایی و زیستگاه دیگر ملت‌ها و سازه‌های انسانی و تضييع حقوق طبیعی آنها را تأیید و توجیه و حتی تجویز می‌کند. ژئوپلیتیک انسانگرا به شدت با چنین رویکردی مخالف است و بر این باور است که باید قلمرو جغرافیایی و زیستگاه سازه‌های انسانی از جمله ملت‌ها از هر نوع تعرضی مصون باشد.

۷. از نظر این مکتب فلسفه حکومت‌ها مردم و شهروندان هستند. بنابراین ژئوپلیتیک انسانگرا حکومت، حکام و مدیران سیاسی فضا را رو بنا و مولود اراده مردم می‌داند، و شهروندان و مردم را به عنوان صاحبان اصلی فرایند تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری در قلمرو زیستگاه جغرافیایی آنها، و زیربنای قدرت سیاسی و حکومت به رسمیت می‌شناسد.

۸. ژئوپلیتیک انسانگرا به نظر و خواست اکثریت مردم اصالت می‌دهد، و بر این باور است که حکومت با حفظ حقوق طبیعی و شهروندی همه افراد و سازه‌های انسانی، تسلیم خواست اکثریت مردم است. با این وجود حاکمیت برخاسته از اکثریت پیروز که قدرت سیاسی و قانون‌گذاری را در فرایند دموکراتیک بدست گرفته است باید همواره حقوق طبیعی بخش اقلیت

جامعه، و نیز سازه‌های اقلیتی و دگراندیشان را رعایت کند و از اعمال دیکتاتوری قانونی اکثریت بر اقلیت پرهیز نماید.

۹. در این دیدگاه، حکومت همواره خود را در معرض نقد مسالمت‌آمیز و آزادانه مردم قرار می‌دهد و از طریق شکل دادن به سازوکارهای عمومی و رسمی، مقبولیت خود را بطور دائم مورد سنجش قرار داده و در صورت سقوط آن، داوطلبانه قدرت سیاسی را رها کرده و مردم را برای تصمیم‌گیری سیاسی آزاد می‌گذارد. به عبارتی قدرت سیاسی و حاکمیت بطور مسالمت‌آمیز و از طریق دموکراسی حقیقی و نه قلابی جا به جا می‌شود.

۱۰. ژئوپلیتیک انسان‌گرا از تقابل و کاربرد روش‌های فرا قانونی و خشونت‌آمیز امنیتی و نظامی‌گرایانه با شهروندان مخالف و معترض پرهیز می‌نماید. همچنین برقراری حکومت نظامی و استفاده از نیروهای امنیتی غیر رسمی برای کنترل اعتراضات ولو اندک شهروندان در داخل کشورها را مورد تایید قرار نمی‌دهد. این دیدگاه اساساً برای برقراری حکومت نظامی در داخل کشورها هیچ فلسفه و ضرورتی قائل نیست. در همین رابطه بر نقش‌آفرینی قانونی و استفاده شفاف از نیروهای قانونی و رسمی امنیتی، پلیسی و قضایی تاکید می‌نماید.

۱۱. در این مکتب روابط حکومت با ملت و شهروندان در قالب استراتژی اقناع، و سازوکار تبادل اندیشه و گفت و گوی انتقادی و سازنده و بر پایه خیر و مصلحت عمومی مردم شکل می‌گیرد.

۱۲. ژئوپلیتیک انسان‌گرا فرآیند تصویرسازی و معماری فکری و ذهنی شهروندان توسط حکومت‌ها و بازیگران سیاسی را که از طریق رسانه‌ها و با چشم داشت سیاسی و توجیه و مقبولیت‌پذیری سیاست‌ها و اقدامات ناشایست خود در فضاها و مکان‌های جغرافیایی انجام می‌دهند را مورد واکاوی و افشا قرار می‌دهد. همچنین به نقد سیاست‌های قدرت حاکم که در راستای منافع و اغراض سیاسی خود مکان‌ها و فضاها را به بحران و نابودی می‌کشاند می‌پردازد. در واقع ژئوپلیتیک انسان‌گرا گفتمان‌ها، سیاست‌ها، اقدامات، گزاره‌ها، و نظریه‌های شبه علمی و قرار دادن آن در خدمت سیاست و سیاستمدارانی که از رهگذر کاربرد آنها برای انسان‌ها و بشریت درد و رنج و مصیبت می‌آفرینند را نقد می‌کند و از آنها بیزاری می‌جوید.

۱۳. ژئوپلیتیک انسانگرا، نه با حکومت‌ها و نه بر علیه حکومت‌هاست. بلکه در راستای حقوق، منافع و منزلت اکثریت شهروندان و خیر عمومی حرکت می‌کند و تا آنجا با حکومت‌ها همراهی می‌نماید که سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات آنها در مسیر صلح، امنیت همه جانبه، رفاه، پیشرفت، آسایش، آزادی اندیشه و حق انتخاب سبک زندگی، خیر و صلاح عمومی مردم و شهروندان باشد. بنابراین ژئوپلیتیسین انسانگرا در شرایط سوءاستفاده حکومت‌ها از دانش و راهبردهای ژئوپلیتیکی، از آنها فاصله می‌گیرد.

۱۴. در مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا حکومت‌ها، دولت‌ها، نمایندگان و کارگزاران حکومتی ماهیتی وکالتی دارند. بنابراین آنها حق ندارند در باره موضوعی که زندگی و سرنوشت بیش از نیمی (۵۰ درصد) از افراد ملت و یا خانوارهای ساکن در یک فضای جغرافیایی اعم از خرد یا کلان را متاثر می‌کند راساً تصمیم‌گیری نمایند. بنابراین آنها موظفند در امور اساسی و مشترک ملی و عمومی با مراجعه به آرای عمومی (همه‌پرسی) و رفراندوم، و بر اساس رای اکثریت مردم و شهروندان تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری نمایند. نظیر: تعیین، تغییر و اصلاح نظام حکومتی و قانون اساسی، تعیین رئیس کشور، تعیین سران قوای سه‌گانه حکومتی (بویژه رئیس قوه قضائیه)، تعیین عالی‌ترین مقام نیروهای مسلح کشور، جنگ و صلح، سربازگیری و نظام وظیفه اجباری، وضع قوانین سخت‌گیرانه، تخصیص یا حذف یارانه‌ها، انتقال پایتخت، الحاق و انتزاع تقسیمات کشوری، خصوصی‌سازی ثروت‌های ملی، کاربری پشته‌های پول ملی، تغییر پول ملی، تعیین منابع درآمدی و هزینه عمومی و عمرانی حکومت، انعقاد قراردادهای خارجی دو یا چند جانبه که تعهدات ملی و سرزمینی دارند، اعمال محدودیت‌ها عمومی مانند فیلترینگ فضای مجازی و غیر آن. خوشبختانه رای‌گیری الکترونیکی فرایند همه‌پرسی و رای‌گیری مستقیم از مردم و شهروندان در امور مختلف را ساده و قابل اجرا کرده است. بنابراین پیش‌بینی می‌شود در آینده نیازی به پارلمان‌ها و مجالس قانون‌گذاری نباشد و مردم و سازه‌های انسانی مستقیماً در فرایند قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و انتخاب هیات حاکمه و مدیران سطوح ملی و محلی مشارکت نمایند.

۱۵. ژئوپلیتیک انسانگرا بر اساس اصل دینامیسم فکری، علمی، فنی، اجتماعی، فضایی و سیاسی که در زندگی بشر وجود دارد، تاکید می‌نماید که در راستای روند کمال‌یابی جهان خلقت، زندگی ابنای بشر و سازه‌های انسانی باید بطور پیوسته در مسیر تکامل، نوسازی، پیشرفت و بهسازی قرار داشته باشد. از این رو حکومت‌ها، دولت‌ها، رهبران سیاسی و نهادهای بین‌المللی ذیربط باید تمامی ساختارهای ملی و جهانی ناظر بر زیست و زندگی ابنای بشر و سازه‌های انسانی و ملت‌ها را بطور پیوسته مورد بازنگری و بهینه‌سازی قرار دهند تا بتوانند واکنش مناسب را در رابطه با دینامیسم مزبور از خود بروز داده و زمینه فرهنگی، اجتماعی، ذهنی، فکری، سیاسی، حقوقی، اداری، اجرایی تکامل و پیشرفت همه جانبه انسانها را فراهم نمایند. بطور مشخص باید قانون اساسی کشورها، ساختار و منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در دوره‌های ۵ تا ۱۰ ساله مورد بازنگری، بهنگام‌سازی و بهینه‌سازی قرار بگیرند.

۱۶. از دید ژئوپلیتیک انسانگرا سرمایه و سرمایه‌گذاری عامل مهم دینامیسم علمی، فضایی، اجتماعی و سیاسی است. ولی سرمایه‌گذاری افسار گسیخته و معطوف به ولع سودجویی سرمایه‌دار و با استراتژی مشتری‌مداری و شارژسازی مصرف‌غیرعقلایی، سرچشمه بسیاری از مصیبت‌ها و رنج‌های بشریت و سازه‌های انسانی، و نیز تخریب اکوسیستم‌های جغرافیایی و بنیادهای زیستی، بی‌عدالتی اجتماعی و فضایی / جغرافیایی می‌باشد. بنابراین مدیریت و راهبری سرمایه و فرایند سرمایه‌گذاری در راستای منافع مردم و نیز ساماندهی زیستگاه و اکوسیستم جغرافیایی متعادل و قابل زیست و تاب‌آور برای سازه‌های انسانی بطوری که متضمن سودآوری منصفانه و عقلایی برای صاحبان سرمایه نیز باشد اهمیت زیادی دارد. بر اساس این دیدگاه، حکومت‌ها به عنوان نهاد مدیریت سیاسی فضا و به نمایندگی از طرف مردم در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی باید سرمایه‌مداری و سرمایه‌گذاری افسار گسیخته را مهار نموده و آن را بگونه‌ای مدیریت و راهبری کنند که همزمان با تامین منافع و حقوق طبیعی شهروندان، سلامت و تعادل اکولوژیک زیستگاه جغرافیایی آنان و همزیستی با طبیعت و سایر مخلوقات را نیز تضمین نماید.

۱۷. ژئوپلیتیک انسانگرا در حوزه مالکیت و الگوی فعالیت اقتصادی در جامعه، اصالت را به مالکیت خصوصی به عنوان حق طبیعی شهروندان، و نیز فعالیت اقتصادی فردی خرده پا و فعالیت اقتصادی گروهی بنگاهی و مشارکتی مبتنی بر سهامداری گسترده شهروندان می‌دهد. بنابراین الگوهای مالکیتی و اقتصادی کاپیتالیستی، سوسیالیستی، کمونیستی و تعاونی‌های دستوری را که دچار افراط و تفریط بوده و با نابرابری اقتصادی / اجتماعی از سویی و ابزاری شدن و سلب اختیار انسان از سویی دیگر همراه است را نفی می‌کند. در این مکتب دولت سالاری اقتصادی و سرمایه سالاری اقتصادی هر دو مطرود است. در الگوی پیشنهادی مزبور نقش حکومت محدود به مدیریت راهبردی اقتصاد، مشاوره، آموزش، هدایت، ارتقای دانش و فنون مدیریت بنگاهداری مدرن اقتصادی، و تنظیم فرایندهای اقتصادی کشور با محوریت نقش آفرینی اقتصادی شهروندان در تمامی بخش‌های اقتصادی کشور می‌باشد. اهداف اصلی این الگو عبارتند از: ایجاد اشتغال کامل، توزیع متعادل ثروت در جامعه و مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی کشور، ایجاد فضای دیالگیتی همکاری و رقابت سالم، اصالت دادن به نقش مردم و شهروندان در اقتصاد، توسعه مشارکت ملی در فعالیت‌ها و پویایی اقتصادی کشور، فرآوری مزیت‌های اقتصادی مکانی و فضایی در مناطق مختلف کشور، نقش آفرینی اقتصاد ملی در اقتصاد بین‌الملل، کوچک شدن ساختار سازمانی حکومت‌ها و کاهش هزینه‌های ملی، مشارکت معنی‌دار و منطقی شهروندان در تامین هزینه‌های کشورداری از طریق سیستم مالیاتی، بالا بردن سطح آزادی اندیشه و عمل اقتصادی شهروندان، شکوفایی استعدادها و فعالین اقتصادی در جامعه و غیر آن.

۱۸. ژئوپلیتیک انسانگرا تنش‌زدایی در روابط کشورها، ملت‌ها و سازه‌های انسانی را یک اصل و ضرورت اساسی در جهت توسعه صلح، همزیستی و امنیت می‌داند. بر این اساس استراتژی گفتگو، تعامل سازنده و دیپلماسی برای تنش‌زدایی را مورد تاکید قرار داده و آن را به حکومت‌ها و رهبران کشورها، ملت‌ها و سازه‌های انسانی توصیه می‌نماید.

۱۹. ژئوپلیتیک انسانگرا از سیاست نظامی‌گری در روابط بین کشورها و ملت‌ها حمایت نمی‌کند، و قائل به فلسفه بازدارندگی و تامین امنیت ملی توسط نیروهای نظامی است. این رویکرد بر این باور است که هستی و قدرت نیروی‌های نظامی در کشورها یک ضرورت است و وجود آن را

لازمه صلح و بازدارندگی از تهاجم و جنگ می‌داند. اما به شدت مخالف سیاست‌ها و اقدامات حکومت‌ها و دولت‌ها در استفاده ابزاری از نیروهای نظامی علیه دیگر ملت‌ها و کشورها می‌باشد. بر این اساس با حضور و کاربری نیروهای نظامی کشورها در خارج از قلمرو جغرافیایی آنها مخالف است. مگر در قالب نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد.

۲۰. ژئوپلیتیک انسانگرا با توجه به روند فزاینده وابستگی‌های متقابل مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی و نیز توسعه شبکه‌ها و سیستم‌های کارکردی جهان در مقیاس کروی، قائل به یکپارچگی مدیریت سیاسی فضای جهانی در کره زمین و ماورای آن است. بر این اساس انحلال سازمان ملل متحد کنونی که تاریخ مصرف آن سپری شده را توصیه نموده و بجای آن استقرار الگوی مدیریت مشارکت بین‌المللی مبتنی بر دموکراسی جهانی را پیشنهاد می‌نماید. نمونه تجربی این الگو پارلمان اتحادیه اروپا است که در مقیاس منطقه‌ای عملیاتی شده است.

۲۱. ژئوپلیتیک انسانگرا در راستای حقوق و منافع مردم و شهروندان با هر نوع دیکتاتوری رنج‌آور مخالف است و قائل به تحقق موارد زیر می‌باشد: حق آزادی اندیشه و ابراز نظر تا حدی که مخل حقوق دیگر شهروندان نباشد، حق مطلق انتخاب سبک زندگی و الگوی زیست خصوصی و شخصی، حق برخورداری از خدمات اجتماعی مشترک، حق تامین نیازهای اساسی مادی و معنوی، حق پرسش و دریافت پاسخ اقناع کننده از حکام و سیاستمداران، حق امنیت جانی و مالی، کرنش حکومت و مدیران سیاسی فضا در برابر مردم و شهروندان، توزیع فضایی / جغرافیایی متعادل قدرت سیاسی و اقتصادی، تمرکززدایی سیاسی و اجرایی، ساده‌سازی و کوچک‌سازی دستگاه‌های حکومتی و فرایندهای اداری، حقوقی، سیاسی و اجرایی، به حداقل رساندن بوروکراسی‌های اداری و سازمانی. بنابراین از هر نوع دیکتاتوری سنتی و مدرن اعم از دیکتاتوری‌های سازمانی و اداری، سیاسی، قانونی، حقوقی، فرهنگی، فردی، گروهی، اکثریتی، اقلیتی، ایدئولوژیکی، نخبگی، کاریزمایی، فنی، تکنیکی، الکترونیکی، دیجیتالی و غیر آن که موجبات رنج و آزار روحی و جسمی مردم و شهروندان را فراهم نماید بیزاری می‌جوید.

۲۲. ژئوپلیتیک انسانگرا با تداوم ساختارها، ارزش‌ها، سنت‌ها و باورهای ذهنی / تاریخی و الگوهای اجتماعی و فرهنگی که جنبه محافظه‌کارانه داشته و مانع آزادی، پیشرفت و تکامل



اندیشه و سبک زندگی بشر بوده و موجبات رنج و گرفتاری سازه‌های انسانی و نیز تخریب زیستگاه جغرافیایی آنها را فراهم می‌کند مخالف می‌باشد. این مکتب بر این باور است که وظیفه نخبگان علمی و اجتماعی است که با آزاداندیشی، شهامت و پیشگامی ساختارها و الگوهای مذکور را بهینه‌سازی نموده و یا از متن اندیشه اجتماعی بزایند، و راه را برای آزادی اندیشه و الگوی زیست و تداوم روند ذاتی پیشرفت و تکامل زندگی بشر فراهم کنند.

۲۳. مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا بظاهر آرمان‌گرایانه به نظر می‌رسد. لکن با توجه به تجارب بشری، آرمان‌ها در بستر زمان و بطور تدریجی در بطن جامعه رشد نموده و به صورت اندیشه و ارزش مشترک و خواست و اراده عمومی مردم و شهروندان تجلی پیدا نموده و به واقعیت تبدیل می‌شوند. کما اینکه مصادیق متعددی از نمودهای وجه کاربردی ژئوپلیتیک انسانگرا هم اکنون در جهان وجود دارد، که در چهارچوب این مکتب می‌تواند توسعه یافته و تقویت شود. مانند کنوانسیون‌های مشارکتی بین‌المللی، قراردادهای منصفانه بین‌المللی در خصوص بهره‌برداری از منابع آبی و بنیادهای زیستی، تشکیل اتحادیه و پارلمان اروپا، کنفرانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای حل بحران‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی، الگوی کشورداری و مدیریت سیاسی فضا در برخی کشورها نظیر سوئیس، آلمان، نیوزیلند، ژاپن و سنگاپور. اندیشه و کردار انسانگرایانه برخی رهبران و بازیگران سیاسی در جهان.

۲۴. رویکرد ژئوپلیتیک انسانگرا یک نیاز اساسی برای ابنای بشر و سازه‌های انسانی از جمله ملت‌ها در جهان امروز و آینده است. رویکردی است برای نجات انسان‌های خسته از بحران‌ها، ناکامی‌ها، رنج‌ها، بی‌نوایی‌ها، نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها، عوام‌فریبی‌ها، دروغ‌ها، تخریب‌ها و ستم‌هایی که کج روی حوزه‌های سیاست، اقتصاد و ایدئولوژی برای بشر ایجاد کرده و می‌کند. همچنین رویکردی است برای مهار و کنترل اندیشه و عمل حکومت‌ها و بازیگران سیاسی با هدف خلق الگوی زیست و زندگی مطلوب و متناسب با شان و کرامت انسان‌ها که هدیه خداوند و خالق هستی به آنهاست.